

مرکز مدیریت حوزه های علمی ه خواهران نزد

حوزه علمیه ریحانه الرسول (س)

عنوان :

تأثیر اختلافات اخلاقی در رفتاری زوجین بر افزایش طلاق

نام گردآورنده :

لیلا شیخ علیشاهی^۱

نام استاد راهنما :

فاطمه جعفری ندوشن

بهار ۹۶

^۱ - کارشناس دبیری ادبیات فارسی و سال دوم از سطح دو مربوط به درس روش تحقیق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مدیریت حوزه های علمی و خواهران نزد

حوزه علمیه ریحانه الرسول (س)

عنوان :

تأثیر اختلافات اخلاقی در رفتاری زوجین بر افزایش طلاق

نام گردآورنده :

لیلا شیخ علیشاهی^۱

نام استاد راهنما :

فاطمه جعفری ندوشن

بهار ۹۶

^۱ - کارشناس دبیری ادبیات فارسی و سال دوم از سطح دو مربوط به درس روش تحقیق

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «تأثیر اختلافات اخلاقی و رفتاری زوجین بر افزایش طلاق» می باشد که به بررسی اختلافات و افزایش آن بر طلاق می پردازد. اختلافات اخلاقی پس از گذشت چند ماه از زندگی مشترک پدید می آید که تا حدودی این اختلافات طبیعی و به جاست چون دو انسان با دو جنسیت، تربیت و محیط زندگی متفاوت تا در کنار هم به تفاهم برسند سالها طول می کشد.

میزان بالای طلاق در جوامع امروزی جامعه شناسان را به کنکاش در مورد این موضوع بر آن داشته تا مکشوف گردد که چه چیزی باعث این افزایش شده است اما آنچه این بحث ما را به خود جذب می کند این است که همیشه اختلافات اخلاقی منجر به طلاق نمی شود حتی این اختلافات نه تنها طبیعی است بلکه برای تکامل و تفاهم این دو جنس مخالف لازم و ضروری است اما این موضوع را هم نمی توان کتمان کرد که بعضی اختلافات اخلاقی منجر به طلاق می شود.

اختلاف اصلی بین زن و شوهر درگیری بین عاطفه و فکر است زیرا مرد با امید تفکر و زن با امید و عاطفه پا به عرصه اجتماع گذاشته و نیاز به همزیستی پیدا می کند این دو جنس از ابتدای آفرینش این چنین خلق شده اند پس هیچ سرزنشی را قبول نمی کنند و همانطور که می دانید بین فکر و عاطفه همیشه جدال بوده است پس تا این دو یعنی فکر و عاطفه بتوانند همدیگر را درک کنند زمانی طول می کشد. پس به امید روزی که در جامعه صبر، اعتماد، احترام و گذشت آنقدر ببارد تا درخت عشق شکوفه دهد.

کلید واژه : بخل، تکبر، ترس، ناسزاگویی، سوء ظن، خیانت، طلاق

تاثیرگذاری در هر زمینه‌ای می‌تواند تاثیرات مثبت یا منفی داشته باشد پس تاثیر اختلافات هم همین فرمول را دنبال می‌کند یعنی هم می‌تواند تاثیر مثبت داشته باشد هم منفی، آنچه از این مقاله بر می‌آید هم تاثیر مثبت و هم منفی است وقتی مثبت باشد باعث استحکام زندگی زناشویی و وقتی منفی باشد منجر به دادگاه، طلاق می‌شود.

داستان اختلاف زن و شوهر بیشتر به زندگی گذشته آنها بر می‌گردد، گاهی عدم شناخت طرفین و گاهی مشکلات روحی و روانی است که برای زوجین در زندگی مشترک باعث اختلاف شده است در بعضی موارد دیده شده دختر و پسر چنان تصمیم عجولانه برای ازدواج می‌گیرند و تحت تاثیر خیال، روایا و بدون توجه به واقعیت‌ها تن به ازدواج می‌دهند که باعث گرفتاری خود در آینده ای نزدیک می‌شوند در حالی که آشنایی‌های بلند مدت در زمان نامزدی زمینه‌هایی را آشکار می‌کند تا انسان بهتر و راحت‌تر برای آینده اش تصمیم بگیرد. اما آنچه در جامعه اسلامی ما ایران باعث مورد توجه و بررسی قرار گیرد قبح طلاق است که ریخته شده و همین امر باعث می‌شود تا ما را بیشتر به این گرداب فک، فروبرد و در رابطه با آن چاره جویی کنیم.

اختلافات ممکن است طبقاتی، فرهنگی، دینی و باشد ولی در این مقاله به اختلافات رفتاری که به خود فرد و بقیت خانوادگی او مربوط می‌شود و همچنین کنار آمدن با این موضوع که او دیگر مثل گذشته نقش فرزند خانواده را ایفا نمی‌کند : مثلاً مرد نقش تکیه گاه برای زن است . او باید بداند که خداوند این زن را به عنوان امانت در نزد او قرار داده است و باید برای حفظ این امانت الهی کوشای باشد و برای زن، مرد نقش حمایتی را دارد، زن طوری طراحی شده است که نیاز به حمایت و پشتیبانی یک مرد را دارد و یا زن باید بداند که فقط برای شوهر، خود را بیاراید و رغبتهای جنسی او را اشتباه کند و با پاسخ

ما در بین زوجین شخصیت‌های ویژه‌ای داریم که برای یکبار دروغ و خیانت طرف مقابل را پذیرفته اند و بر اساس خصلت‌های مثبت همسر خود آن را نادیده گرفته اند و همچنان به زندگی خود ادامه می‌دهند ولی این را نباید از نظر دور داشت که این یک آسیب جدی است و باید زوجین از آن هراس داشته باشند چون این آسیب درونی در ناخودآگاه انسان باقی می‌ماند و حتماً گوشه ذهن او را تا پایان عمر به خود مشغول خواهد کرد اما بهتر است زوجین با دید منطقی به دروغ و خیانت طرف مقابل نگاه کنند و با این مساله منطقی برخورد کنند نه احساسی!

هر فرد قادر است پس از سالها زندگی مشترک با همسرش و شناخت کافی از عقاید و شخصیت او صادقانه درک کند که این قضیه پیش امدی اتفاقی بود و اصلاً این جزء خصلت او بوده است یا نه! و با کمی دقیقت در زندگی گذشته با همسرش بهتر می‌تواند در مورد زندگی آینده اش تصمیم بگیرد که گذشت و اغماض داشته باشد یا برود و بر سر مسئله اختلاف و نزاع به پا کند اما روایتی زیبا در رابطه با گذشت و عفو از پیامبر اکرم (ص) داریم تا شما بهتر در رابطه با زندگی خود بتوانید تصمیم بگیرید.

«قال رسول الله (ص) : عَلَيْكُمْ بِالعَفْوِ لَا يَزِيدُ الْعَبْدُ إِلَّا عِزًّا فَتَعَافُوا يُعِرَّكُمُ اللَّهُ ؛ رسول خدا (ص) می‌فرمایند : بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید، زیرا عفو، موجب عزت بنده است. از یکدیگر عفو کنید تا خدا شما را عزیز کند» (دکتر سید جواد مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۴۴)

پس مسلماً اگر عفو و گذشت داشته باشیم همانطور که خداوند و عده داده شما را عذر خواهد کرد مخصوصاً در سن جوانی که سن غرور و تکبر است.

۳- بدگمانی و سوء ظن

سوء ظن و گمان بد بردن نسبت به هر مسلمانی، زشت و ناروا است و از همه بدتر میان زن و شوهر است که به جای اینکه عاشقانه همدیگر را درست بدارند و درک کنند و به هم تهمت زده و بد گمان می‌

شوند آنقدر این بدگمانی در زندگی آنها رخنه می‌کند که حتی گاهی زن فکر می‌کند شوهرش زن دیگری را اختیار کرده است در صورتی که مرد ممکن است در روز ساعات بیشتری را به کار بپردازد تا همسر و فرزندانش رفاه و آسایش بیشتری داشته باشند!

باید دانست که گاهی گمان بد و سوء ظن طرف مقابل در دل انسان می‌گذرد و بازگو نمی‌شود که این از نظر شرع مشکلی ندارد ولی اگر بازگو شد و باعث ناراحتی و دل شکستگی طرف مقابل شد از نظر شرع و عقل ناپسند و نارواست.

یکی از آثار زشت بدگمانی، تجسس است: تجسس یکی از کارهای زشت و حرام است که در آیه شریفه قرآن از آن نهی شده است.

يَا أُنِّيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَبَيْوَا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِلَّمْ وَلَا تَجَسَّسُو وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أُنِّيهِبْ
أَحَدُكُمْ أُنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أُخِيهِ مَيِّنَا فَكَرِهُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

آورده‌اید!اجتناب کنید از بسیاری از گمانها ، بدرستیکه بعضی از گمانها گناه است و تفحص عیوب نکنید و غیبت نکنید بعضی از شما بعضی را آیا دوست می‌دارد یکی از شما که گوشت مرده برادرش را بخورد پس ناخوش دارید آنرا و بترسید از خدا بدرستیکه خدا توبه پذیر و مهربانست.(حجرات/۴۹، آیه ۱۲)

درست است که گمان بد بردن و حتی پس از آن غیبت آن را کردن گناهی بزرگ و حرام شمرده شده است اما زن و شوهر در بعضی از امور به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند یعنی می‌توانند در بعضی از زمانها و مکان‌ها تجسس و جستجو داشته باشند مثلاً اگر مرد حس کند که همسرش با مرد بیگ انه ای در ارتباط است باید به تجسس و کنجکاوی بپردازد و در صورتی که اشتباه کرده استغفار کند ولی در صورتی که گمانش درست بوده به فکر چاره اندیشی بر آید. (دکتر سید جواد مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱)

اما متسافانه آنچه در جامعه ما موج می زند بیماری روانی و روحی افراد است که بی خودی و بی جهت به همه افراد جامعه مخصوصاً نزدیکان خود بد گمان هستند که در این باره حضرت علی (ع) می فرمایند «مَنْ سَاءَتْ كَلُوِيَّةٌ؛ كَسَى كَمَانْشَ بَدَ اَسْتَ، باطِنْشَ بَدَ اَسْتَ» (دکتر سید جواد مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲)

پس بهتر است این افراد به پزشک روانشناس مراجعه کرده تا مشکل خود را حل کنند تا محل آسایش خود و دیگران نباشند.

حتی گاهی افراد خودشان باعث سوء ظن همسر یا افراد دیگر جامعه می شوند که حضرت علی (ع) می فرمایند «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهَمَّهِ فَلَا تُلُو مَنَّ مَنَ السَّاءِ بِهِ الظَّنَّ؛ كَسَى كَمَانْشَ رَأْيَهُ تَهْمَّهَ» (ترجمه دکتر دشتی، حکمت ۱۵۹، ص ۴۷۴)

پس بنده مسلمان عاقل کاری نمی کند که کسی به او شک کند و او را مورد تجسس قرار دهد.

اما آنچه اینجا مورد بحث است بدگمانی در زندگی زناشویی است که زوجین باید بدانند که اولاً کاری نکنند که به همدیگر بدگمان شوند ثانياً اگر این بدگمانی ها ادامه یابد باعث اختلافات تنفس آمیزی در زندگی و در نهایت جدایی آنها می شود.

نتیجه گیری

تفاهم و عشق در زندگی زناشویی به طور یکنواخت و همیشگی نبوده است و همین قهر و آشتی‌ها بوده است که زندگی را زیباتر و زن و شوهر را عاشق تر از قبل کرده است و یا به قول معروف این قهر و آشتی‌ها نمک زندگی هستند فقط باید مواظب باشیم که نمکش زیاد نشو و باعث شوری و دل زدگی شود.

به نظر روانشناسان اگر زوجی بگویند که ما با هم زندگی می‌کنیم و هیچ اختلافی نداریم چیزی عجیب و نشدنی است چون اختلافی در زندگی وجود دارد که نه تنها زن و شوهر را از هم دور نمی‌کند بلکه آنها را نزدیک تر به هم می‌کند و باعث شناخت بیشتر زوجین می‌شود. اگر اختلافات زناشویی را به دو فصل تقسیم کنیم اولی را متنفع و دومی را متضرر، بیشتر متوجه عمق مسئله می‌شویم چون در هر دو فصل اختلاف هست ولی با این تفاوت که اولی نفع می‌رساند و دومی ضرر می‌زند.

مثلاً بخل، ترس و تکبر به ظاهر خصوصیات بدی هستند اما خداوند خود از روی علمش آن را در زن نهاده تا باعث آرامش و عشق بیشتر مرد شود با اینکه برای مردان این سه صفت زشت و ناپسند است ولی برای زنان پسندیده و نیکو است.

منابع

۱۸

- ۱- قرآن کلام الله
- ۲- ترجمه دشتی، محمد، مُصحّف نهج البلاغه؛ ولیعصر، آفرینه، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۳- دکتر مصطفوی، سید جواد، بهشت خانواده، قدس، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۴- دکتر آذر، ماهیار، ازدواج : حل مشکلات زناشویی، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۵.
- ۵- رهبر معظم انقلاب اسلامی، نقش و رسالت زن، انتشارات انقلاب اسلامی، موسسه پژوهشی فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- ۶- استاد شهید مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۹۲.